

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

۱۲ می ۲۰۱۷

والیها در زمان خلافت حضرت عمر(رض)!

امیرالمؤمنین حضرت عمر (رض) در تعیین والیان با تمام دقت برخورد می کرد. هر گاه قصد می داشت که شخصی را به حیث والی در یک ولایت منصوب کند، تقوا، عدالت و امانتداری او را کاملاً مورد مطالعه و باز پرس قرار می داد.

مهمترین نکته ای که برای حضرت عمر (رض) در تعیین والی ها مهم بود و بر روی آن حساب می کرده مانا چگونگی رفتار و کردار والی ها با مردم و رعایای آن ولایت بود. حضرت عمر (رض) حتا کوچکترین فعالیت والی ها را زیر نظر و کنترل داشت. حضرت عمر (رض) به رعایا همیشه براین نکته تأکید می نمود که اگر به احدی از شما، از طرف والی ها، کوچکترین آزار و اذیتی برسد، بدون ترس و خطر به من اطلاع و مراجعه فرماید.

ارشادات حضرت عمر به والی ها :

- ۱- لباس نازک نپوشید.
 - ۲- نان از آرد غربال شده نخورید.
 - ۳- دروازه منزل خویش را به روی مردم نبندید، بر دروازه خویش پهردار و محافظ مقرر ننماید، تا مردم و به خصوص حاجتمندان بتوانند با سهولت غرض اجرای امور و کارهای خویش به نزد شما مراجعه نمایند.
 - ۴- به عیادت مریضان بروید و در تشییع جنازه باید اشتراک نمایید.
- سیرت نویسان می نویسند :

در یکی از روز ها حضرت عمر(رض) از راهی می گذشت که ناگهان شخصی صدا زد: یا امیرالمؤمنین ! این شرایطی که شما نسبت به والیان خویش دستور فرموده اید عملی نمی گردد، زیرا «عیاض بن غانم» والی مصر لباس نازک می پوشد و در درازة خانه خویش پهره دار و محافظ تعیین نموده است.

حضرت عمر به شنیدن این موضوع «محمد ابن مسلمة» را خواست (اومسؤول تفتیش والیان بود) و برایش دستور فرمود که باید به مصر سفر کند، و «عیاض بن غانم» را در هر حالی که یافتند با خود بیاورند.

محمد بن مسلمة وقتی به مصر رسید، می بیند که محافظین و پهره داران به در خانه والی ایستاده اند و زمانی که داخل خانه والی شد، دید که «عیاض بن غانم» لباس نازک پوشیده است. محمد ابن مسلمة او را مخاطب قرار داده،

و برایش گفت : برخیز! امیرالمؤمنین تو را احضار کرده است. جواب داد: اجازه دهید تا لباس خویش را تبدیل کنم. اما محمد بن مسلمه اجازه نداد و همانگونه وی را به محضر امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) حاضر نمود . حضرت عمر (رض) که او را دید ، برایش گفت، این لباس نازک را از تن خود بیرون کن و در عوض لباس ضخیمی برایش داد که بپوشد و گله گوسفندان را جهت چرا به او سپرد. وی را از مقام ولایت معزول و فرمود: گوسفندان را به چرا ببر و اوقات خود را با آنها بگذران و از شیر آن به مسافرانی که گذرشان از کنار تو می افتد بده و آنچه باقی می ماند، برای ما نگهدار. شنیدی؟ "عیاض بن غانم" گفت: بلی، شنیدم! اما مرگ برای من از این کار بهتر است. آنحضرت فرمود: از این کار می شرمی؟! پدرت گوسفند می چرانید و بدین جهت «به غانم» (یعنی گوسفنددار) مشهور است .

خوب! آیا برخورد بهتری در خصوص تو می توان اعمال نمود؟ عیاض بن غانم گفت: بلی، یا امیرالمؤمنین! بعد از این هیچ گونه شکایتی از ناحیه من نخواهید شنید. پس آن جناب فرمود: خوب است، اکنون بر سر کارت برو! از آن پس او به گونه ای رفتار می کرد که هیچ حاکمی بهتر از او پیدا نشد. الهی ما و حکام ما را هدایت نیکی کن. آمین